

بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان

مریم عسکریان بیدگلی^۱، زینب السادات اطهری^{۲*} و حسین ستار^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۳ صص ۱۰۴-۶۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان انجام شده است. این پژوهش از نظر اجرا توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری، کلیه دانشجویان دختر دانشگاه کاشان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۳۲۵۲ نفر بود که از میان آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم ۳۴۴ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته تربیت اخلاقی و حجاب استفاده شده است. سنجش روایی سازه‌ای با استفاده از آماره KMO برای تربیت اخلاقی ۰/۹۴ و برای حجاب ۰/۹۱ و پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آلفای - کرونباخ برای تربیت اخلاقی ۰/۹۵ و برای حجاب ۰/۹۲ برآورد شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، کمینه و بیشینه، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (رگرسیون، مدل معادلات ساختاری، آزمون t و F) با کمک نرم‌افزار SPSS²² و AMOS²² انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که متغیر تربیت اخلاقی توانسته است ۷۷/۴۴ درصد از تغییرات حجاب را پیش‌بینی کند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان از معنادار بودن نقش تربیت اخلاقی و هر یک از مؤلفه‌های آن در رعایت حجاب دانشجویان دارد. بر این اساس هر چه هر یک از مؤلفه‌ها تقویت شود میزان رعایت حجاب مناسب‌تر خواهد بود ($p < 0/05$).

واژگان کلیدی: تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی، حجاب، دانشجویان، دانشگاه

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی (گروه علوم تربیتی) دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

^۳ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

* نویسنده مسئول: zathari@kashanu.ac.ir

مقدمه

مسأله تربیت از مهم‌ترین مسائل فرد و جامعه و از بحث‌انگیزترین موضوعات حیات ملت‌هاست. امری که سرنوشت زندگی امروز و فردای بشریت بدان وابسته است. هر فرد یا امتی با استفاده از تربیت است که می‌تواند وضع حال و آینده‌اش را روشن و آمالش را محقق سازد (1985.p9, Ghaemi). تربیت فرایندی بسیار گسترده است و گستره‌ی آن به تمامی ابعاد، توانائی‌ها، قابلیت‌ها و به همه‌ی شئون وجودی آدمی گسترانده شده و تمامی زمینه‌های وجود آدمی را در بر می‌گیرد؛ اما فرایند اخلاق یکی از حیطه‌ها و ساحت‌های تربیت دینی به شمار می‌آید (Motahhari, 1995.p3). تربیت دینی است عبارت است از فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی است (Abutalebi, 2010.p17).

تربیت دینی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- تربیت بدنی ۲- تربیت عقلی ۳- تربیت اخلاقی (Hojjati, 1988.p36-37). یکی از مسائل مهم که تعلیم و تربیت با آن روبه‌روست، مسأله‌ی تربیت اخلاقی است (Noddings, 1995.p153). تربیت اخلاقی به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت، هدفش رشد اخلاقی فراگیران است به گونه‌ای که آنان را افرادی نیک و خیر بار آورد، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیر مستقیم بدان توجه کنند (Rahnema, 1999.p1). «تربیت اخلاقی؛ ایجاد تحول و تغییری است که ابعاد فکری، احساسی و رفتاری فرد را در بر می‌گیرد. به نوعی که در بعد فکری ایجاد توانایی‌ای که امور خوب را از بد بتواند تمیز دهد و در جای مناسب آن‌ها را به کار بندد. در جنبه احساسی، پرورش احساسات مطلوب در شخص باید صورت گیرد. مانند دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده بودن، احساس همدردی با همنوع، حس عدالت خواهی و ... و به لحاظ رفتاری فرد با داشتن قضاوت درست اخلاقی و احساسات مطلوب بتواند به تناسب، رفتار سنجیده از خود بروز دهد» (Bagheri, 1999.p11). هدف تربیت اخلاقی، رسیدن به توحید در زمینه‌ی اعتقاد و عمل است. بنابراین، تربیت اخلاقی باید به عبودیت الهی بیانجامد (Tabatabai, 2015.p257) نقش اخلاق آن‌چنان عظیم و گسترده است که پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ یعنی ایشان هدف از بعثت خویش را تتمیم قوانین و قواعد الهی و تکمیل مکارم اخلاق دانسته است (Qomi, 1984.p14)؛ زیرا در نفس آدمی گرایش به خیر و شر، نهفته، و زمینه‌های تکمیل، صعود و سقوط در نهاد او نهادینه شده است و اگر او را به حال خود رها نکنند و از توجه به شقاوت و خسران مانع شوند، مستعد سعادت و شقاوتند، نیازمند اخلاقند و باید کسانی باشند که آنان را از توجه به شقاوت باز دارند و به سوی سعادت رهنمون سازند (Tusi, 1990.p64). موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (Tusi, 1985.p48)؛ قرآن کریم در خصوص تربیت معنوی و اخلاقی، از واژه

تزکیه و مشتقات آن استفاده کرده است. مثلاً در آیات ۹ و ۱۰ سوره‌ی شمس آمده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا»؛ رستگار شد آن کس که نفس را تزکیه کرد و زیان کار شد آن کس که نفس را به تباهی کشاند. بنابر این آیه، تزکیه نفس باعث رستگاری است و این همان چیزی است که منظور تربیت اخلاقی است (Amini, 1995.p12).

پیشرفت‌ها و پسررفت‌های جوامع بشری تنها به علم و پیشرفت‌های مادی، منحصر نمی‌شود بلکه از عوامل مهم ترقی و انحطاط ملت‌ها رعایت و یا عدم رعایت موازین اخلاقی است (2007.p14, Ghorbani Lahiji) با ورود کشورهای غربی به جوامع مسلمان، تغییرات مادی و فرهنگی زیادی در آن‌ها رخ داد و چالش‌های فرهنگی میان آن‌ها آغاز شد. یکی از اصلی‌ترین این چالش‌ها، مسئله حجاب زن بود. حجاب برای بیشتر مستشرقان، مسئله‌ای عمده به شمار می‌رفت و به همین سبب اکثر آن‌ها در برابرش موضعی سخت اتخاذ نموده‌اند. آن‌ها حجاب را نوعی ظلم و ستم بر زنان قلمداد می‌کردند و خود را در مرحله و موقعیتی فراتر و برتر از فرهنگ جوامع مسلمان می‌دیدند (Hoodfar, 1992.p430).

مسئله حجاب موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه معین یا در یک گوشه از جهان نبوده و نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی بوده و آشکار است که با مشخصات متناسب با جوامع مختلف در سیر تاریخی آن‌ها قرار دارد (Ostad malek, 1988.p79). حجاب از یک جنبه، امری ظاهری در ارتباط با جسم است، یعنی پوشش ظاهری افراد و به ویژه زنان را حجاب می‌گویند، که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. البته حجاب فقط مخصوص زنان نیست، بلکه مردان نیز باید حجاب را رعایت کنند. از دیدگاه اسلام، می‌توان گفت، بدحجاب یا بی‌حجاب کسی نیست که حد واجب شرعی را رعایت نمی‌کند، بلکه ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند، ولی با این حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش، و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع، به گونه‌ای باشد که توجه نامحرم را به خود جلب نماید. پس حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری و گفتاری نیز هست (Motahhari, 1987.p80).

با توجه به اینکه اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز و در همه‌ی جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است از مهم‌ترین دغدغه‌های صاحب‌نظران، اخلاق، تربیت اخلاقی و ارزش‌های آن از جمله حجاب بوده است. از این‌رو در این پژوهش، پژوهشگر با تقویت تربیت اخلاقی و مؤلفه‌هایی که ارتباط منطقی با حجاب دارد از جمله عفت، شرم و حیا، غیرت، وقار و متانت، کرامت و عزت سعی در رفع معضل بدحجابی دارد. در ادامه به شرح هر یک از مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود:

عفت^۱ عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه‌ی شهوانی انسان، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. به تعبیر دیگر، عفت یعنی اعتدال در بهره‌مندی از شهوات (Naraghi, 2004, p.15). عقیف به کسی گفته می‌شود که در حد اعتدال و در چهارچوب عقل و شرع، از شهوات بهره ببرد و به وادی افراط (شره) یا تفریط (خمودی) کشیده نشود. عفت به طور کلی، مخصوصاً عفت در شهوت جنسی، یعنی کنترل کردن غریزه‌ی جنسی و محدود نمودن آن در چهارچوب عقل و شرع (Sharifi, 2010, P.178).

از دید روان‌شناسان شرم یک عامل اساسی رشد است که در کودکی شکل می‌گیرد (2007, Blavier & Glenn). شرم^۲، از جمله هیجان‌هایی است که با آسیب‌های فردی مرتبط است. انسان در دامنه‌ای از موقعیت‌های روزمره احساس شرم را تجربه می‌کند، چه از تجربه این احساس دردناک، آگاه باشد و چه آن را به طور ناخودآگاه تجربه کند (Mills, 2005). حیا^۳، ملکه‌ای است که موجب گرفتگی [انقباض] نفس از ارتکاب [کار] زشت می‌شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری برخلاف آداب، از ترس سرزنش می‌گردد (Majlesi, 1984, p.187). حیا، نیرویی است مهارکننده و نظم دهنده که رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را بر اساس «شرع» و «عرف» تنظیم می‌کند (Pasandideh, 2005, P.8).

غیرت^۴ یکی از اخلاق حمیده و ملکات فاضله است و آن عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال، به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن - تجاوز کرده، از جای خود می‌کند (Tabatabai, 2008, p.280). به دیگر سخن غیرت، حالت عاطفی‌ای که هنگام درک لزوم پاسداری و دفاع از ناموس، حیثیت، و آبروی خود یا دفاع از کسی یا چیزی که موجب دل‌بستگی است، برانگیخته می‌شود (2004, P.1614, Anvari). در مجمع‌البحرین غیرت این گونه تعریف شده است: تنفر طبیعی انسان از مشارکت دیگران در چیزی که محبوب او است (Tarihi, 1998, p.346).

وقار^۵ به معنای بردباری و متانت است (Ibn Manzur, 1994, p.289). «وقار» ضد صفت عجله است و آن عبارت است از اطمینان نفس و سکون آن در گفتار و کردار و حرکات و سکنت، هم پیش از آنکه شروع در یکی از آن‌ها کند و هم بعد از آن، تا هر جزئی از آن کار را به موافق فکر و تدبیر به جا آورد؛ و تأمل نمودن پیش از شروع را «توقف» گویند؛ و تأمل بعد از آن را تأنی و «نانت» نامند. پس وقار شامل این دو است و آن نتیجه قوت نفس و پردلی است، و از شرایف صفات

1. Chastity

1. Sham

2. Modesty

3. Zeal

4. Majesty

و فضائل ملکات است (Naraghi, 2010, p. 192-193). حالت استواری، سنگینی و صبوری در رفتار همراه با پرهیز از نشان دادن هیجان‌های درونی است (Anvari, 2004, P.2060). وقار متعلق به ظاهر آدمی است و سکینه مربوط به باطن و درون اوست. به کسی که در هنگام غذا خوردن، گفتگو، راه رفتن، گوش دادن، نگاه کردن و... آرامش و طمأنینه داشته باشد، می‌گویند شخص باوقاری است. پس مورد استفاده وقار اعضاء و جوارح است. اما آرامش و قرار دل را سکینه می‌گویند، در واقع سکینه، وقار و آرامش دل است. سکینه مکمل وقار است و این دو را باید با همدیگر داشت، انسان برای حفظ آبروی خویش سعی می‌کند وقار داشته باشد. وقتی وقار ظاهری پیدا کرد باید سعی کند در دلش هم آرامش و وقار حاکم گردد که این همان سکینه است. اگر انسان نتواند دلش را تحت تصرف خود در آورد، وقار ظاهری‌اش را نیز از دست خواهد داد. از طرف دیگر اگر وقار ظاهری نباشد، سکینه‌ی دل نیز وجود نخواهد داشت. پس این دو در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و نباید از هیچ کدام آن‌ها غافل ماند (Hosseini shirazi, 2007, P.13-16).

کرامت، بزرگواری است و بزرگواری، حاصل بهره‌وری معین یک موجود است، بی‌آنکه پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود (Bagheri, 2001, p.132). همچنین کرامت، نزاهت از پستی و فرومایگی است. محور تعلیم و تربیت، کرامت است؛ و تقوا، محور کرامت است. کرامت یک کمال نفسانی است که در مقابل دنائت قرار دارد و از اوصاف فرشتگان به شمار می‌رود. کمال آدمی در گرو تحصیل این فضیلت والا است که در پرتو مقدمات علمی و عملی خاص امکان‌پذیر است. دنیاطلبی و دل‌باختگی به مظاهر زودگذر آن، از موانع تحقق کرامت است، زیرا فرومایگی طبیعت با اعتلاء و برجستگی کرامت که یک وصف ماورای طبیعت است سازگار نیست و توضیح آن این است که، خداوند می‌فرماید: قرآن، کتابی کریم است، یعنی برنامه آموزنده‌ی این کتاب، آشنایی انسان‌ها به وصف کرامت است (Javadi Amoly, 1990, p.21-149). کرامت انسان در قرآن به دو گونه برای انسان مطرح شده است: الف) کرامت ذاتی ب) کرامت اکتسابی. کرامت ذاتی اعطایی از سوی خداوند سبحان برای همه آدمیان است؛ یعنی کرامت ذاتی ناظر به آفرینش انسان بوده و خدادادی است و انسان در به دست آوردن آن تلاشی نکرده است و این کرامت با توجه به امتیازات انسان، ناظر به برتری انسان بر تمامی یا بیش‌تر موجودات است؛ اما همه‌ی انسان‌ها در دارا بودن آن امتیازات برابرند و جنسیت و قومیت در برخورداری از آن کرامت تأثیرگذار نیست و نیز کرامت ذاتی و تکوینی بر زندگی اجتماعی و دنیایی و حقوق اساسی و طبیعی انسان تأکید دارد (2013, p.117, Yadollahpour). مقصود از کرامت اکتسابی، حصول به کمالاتی است که انسان در پرتو تقوا، ایمان و عمل صالح خود به دست می‌آورد. این نوع از کرامت، منبعث از تلاش انسان بوده و معیار ارزش-

های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند (Sadeghpour, 2007.p55).

عزت، کرامت مضاعف است، صفتی واقعی و وجودی که هرگاه معیار آن یعنی تقوا موجود باشد، آن نیز موجود است (Bagheri, 2014.p193). در آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات آمده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ»؛ گرمی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. این آیه کریمه معیار کرامت را در تقوا منحصر نموده و جز تقوا، هر معیار دیگری را نفی می‌کند (Javadi Amoly, 1990.p 48). پس همه افراد دارای کرامت هستند ولی لزوماً دارای عزت نیستند؛ ولی افرادی که عزت دارند، کرامت نیز در آن‌ها وجود دارد.

عزت نفس عبارت است از میزان ارزشی که فرد برای خود قائل است و به چگونگی احساس فرد درباره‌ی ویژگی‌های مختلف خود مرتبط می‌شود که قابل تعریف و اثبات شدنی است و می‌توان آن را به عنوان بازخوردهای ارزشیابی‌کننده‌ی فرد نسبت به خود محسوب کرد (Wigfield & Karpathin, 1991.p233-261). عزت نفس، احساس ارزش، درجه‌ی تصویب، تأکید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن دارد (Mohr & Johnson, 2003).

با توجه به تعاریف مطرح شده از شش مؤلفه‌ی تربیت اخلاقی می‌توان بیان کرد که تربیت اخلاقی، فضیلت‌های اخلاقی را در میان مردم کامل می‌کند. اخلاق آن هوای لطیفی است که اگر در جامعه‌ی بشری وجود داشته باشد، انسان‌ها می‌توانند با تنفس آن زندگی سالمی داشته باشند؛ و اگر بی‌اخلاقی حاکم شود، حرص، هوای نفس، جهالت، دنیاطلبی، بغض‌های شخصی، حسادت، بخل، سوءظن و خودنمایی و خودپسندی و بسیاری از رذائل اخلاقی دیگر زندگی را بر انسان سخت، و فضا را تنگ کرده و قدرت تنفس سالم را از انسان خواهد گرفت. حجاب به عنوان یکی از فضیلت‌های اخلاقی از موضوعات فرهنگی است که در بسیاری از ادیان آسمانی بدان توصیه و در مکاتب و اندیشه‌های غیر دینی نیز به فراخور از آن سخن به میان آمده است. امروزه یکی از دلایل انحرافات اخلاقی که به خصوص در قشر جوان کشورمان دیده می‌شود، عدم رعایت حجاب است. متأسفانه، در جامعه اسلامی ایران به علل مختلفی، نگرش مثبت حجاب تحت‌الشعاع قرار گرفته و التزام به این واجب شرعی را سست نموده است. غافل از اینکه بدحجابی و بی‌حجابی، یکی از حربه‌های دشمنان برای ورود به ایران اسلامی است که اگر تلاش جدی برای مهار این ناهنجاری صورت نگیرد می‌تواند

به بحرانی عظیم با آثار و پیامدهای عمیق و گسترده تبدیل شود. در این میان دانشگاه‌ها جدای از جامعه نبوده و به علت موقعیت خاص‌شان از نظر فضای علمی، حساسیت بیشتری دارند. اساسی‌ترین بحث در انقلاب فرهنگی، اسلامی کردن دانشگاه‌ها در تمامی ابعاد از جمله بعد رفتاری دانشجویان است که یکی از مصادیق آن پوشش مناسب دانشجویان است. پس می‌توان بیان کرد که یکی از نهادهای مهمی که مسئولیت تعلیم و تربیت جوانان را بر عهده دارد، دانشگاه است؛ به گونه‌ای که در صورت بروز برخی آسیب‌ها، خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم انواع رفتاری اخلاقی و اجتماعی باشد.

در بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه تربیت اخلاقی و حجاب، اکثر پژوهش‌ها به طور جداگانه به موضوع تربیت اخلاقی و یا حجاب پرداخته‌اند؛ و در بررسی‌های انجام گرفته پژوهشی که دو متغیر را توأمان مورد کنکاش قرار دهد یافت نگردید. از این‌رو انجام چنین پژوهشی تحت عنوان نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر ضروری است. سینگ (Singh, 2001) در پژوهش خود نشان داد که آموزش اخلاق به اندازه آموزش خواندن و نوشتن و ریاضیات مهم است و باعث بهبود رفتارهای کلاسی فراگیران می‌شود. رابینسون (Robinson, 2003) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که زنان بیش‌تر آن نوع لباس‌هایی را می‌پوشند که قسمت‌هایی از بدنشان که از آن رضایت دارند به نمایش بگذارند. سایمن و نت (Simon & Nath, 2004) در بررسی نقش شرم در فرایند نقش جنسی مردانه بیان می‌کنند که مردان به جای قادر بودن در کنترل حالت‌های شرم تمایل دارند. عکس‌العمل‌های خود را به صورت اجتناب، رفتارهای جبرانی و پاسخ‌های جنگ و گریز نشان دهند. براندون و همکاران (Brandon et al, 2007) معتقدند که تحقیقات بسیاری نقش آموزش و پرورش را رشد رفتار اخلاقی نشان می‌دهد و نتایج آن‌ها نمایانگر این است که دانش‌آموزان تمام ظرفیت‌های استدلال اخلاقی خود را زمانی که به صورت اخلاقی قضاوت می‌کنند مورد استفاده قرار نمی‌دهند و در موقعیت‌هایی که شدت اخلاق در آن کم‌تر است دانش‌آموزان در خطر چشم پوشیدن از اخلاق یا کم شدن انشعابات اخلاقی هستند. نامین و کلپی (Numminen & Kilpi, 2007) در تحقیق خود نشان دادند که آموزش و پرورش تأثیر مثبتی روی رشد اخلاقی داشته و تحقیقات آینده باید بر مربیان و آموزشیاران بالینی و همچنین همکاری بین آموزش نظری و بالینی متمرکز شوند.

هاشمی (Hashemi, 2008) در پژوهش خود دریافت که با وجود گسست‌هایی مفهومی و بیرونی که میان حجاب و عفاف است این‌دو با هم ارتباط جدی دارند، یعنی حجاب و عفاف، به صورت متقابل و دوسویه بر یکدیگر اثرگذار و از همدیگر اثرپذیرند؛ بدین‌سان حجاب و عفاف هریک

بر پیدایی و تداوم دیگری، اثر می‌گذارند. جمشیدی (Jamshidi, 2008) با اشاره به نقش زنان در ایجاد و تحکیم عفت عمومی بیان می‌کند که مطلوبیت جنس مؤنث برای جنس مذکر، امری طبیعی است. برای جلب توجه جنس مذکر، نظام خلقت، گرایش به خودنمایی را در جنس مؤنث به ودیعه نهاده است؛ ولیکن زنان بایستی با پرهیز از تبرج، و با اتکا به وجوه مشترک انسانی در جامعه حضور پیدا کنند و جامعه را محل ابراز زنانگی قرار ندهند و با تبعیت از عقل و دین، به گونه‌ای عمل کنند که ضمن پاسخگویی به نیازها، سلامت جامعه را نیز پاس دارند. بهویی و همکاران (Bhui et al, 2008) در پژوهشی در میان دختران بنگلادشی نشان دادند، دخترانی که لباس‌های سنتی و مذهبی را بر لباس‌های غربی ترجیح می‌دهند، کمتر مستعد مشکلات روانی در زندگی آینده هستند و این مسئله، اثرات بلند مدتی بر بهزیستی شادکامی آن‌ها دارد. خیابانی و ویلیامسون (Khiabany & Williamson, 2008) در مطالعه‌ای نشان دادند که رسانه‌های بریتانیایی، حجاب را به عنوان مانعی برای ارتباطات معنی‌دار ارائه می‌کنند. از نظر آن‌ها، زنان باحجاب به عنوان افرادی بی‌مقدار به شمار می‌آیند که در همانند شدن با جامعه میزبان شکست خورده‌اند و خطری مضاعف برای سبک‌های زندگی انگلیسی به شمار می‌روند. آقایانی چاوشی و همکاران (Aghayani Chavoshi et al, 2010) در مقایسه دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر دریافتند که بیش‌تر جوانانی که بعد از انقلاب اسلامی به دنیا آمده بودند، مانثو را به عنوان حجاب برتر می‌دانستند و اکثر میانسالان، که قبل از انقلاب به دنیا آمده بودند چادر را به عنوان حجاب برتر انتخاب کرده بودند. احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2010) در بررسی رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی دریافتند که دختران ۲۰-۱۲ سال نسبت به دختران بالای ۲۰ سال، دختران زیردیپلم نسبت به دختران دیپلم و بالاتر نسبت به حجاب اعتقاد بیش‌تری داشتند و نیز میزان پایبندی به حجاب در دخترانی بیش‌تر بود که از سوی والدین نظارت و کنترل بیش‌تری می‌شدند و میزان روابط خانوادگی در آن‌ها صمیمی‌تر بود. مستقیمی و همکاران (Mustaghimi al et, 2010) با اشاره به متانت گفتاری زبان قرآن در حوزه‌ی لذت‌های جنسی دریافتند که زبان قرآن یک زبان یکپارچه و هماهنگ است. قرآن هم در گزینش واژگان، هم در بهره‌گیری از زبان مخاطب و هم در اندیشه‌های زیر ساختی حاکم بر زبان به نحوی یکپارچه و درهم تنیده عمل می‌کند. سطوح مختلف زبان قرآن را نمی‌توان مجزا و مستقل از یکدیگر دانست. همچنین قرآن-کریم در سطح لغت و در بیان مفاهیم مربوط به لذت‌ها، با صراحت سخن نمی‌گوید.

مهتا (Mehta, 2010) در مطالعه‌ای تأثیر عمیق رسانه‌های مدرن بر روی زنان مسلمان دهلی را در طول ۳۰ سال مؤثر دانسته است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که زنان مسلمان، مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده و سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند. خلیلی و همکاران (Khalili et al, 2011) در بررسی تعلیم و تربیت

اخلاقی از دیدگاه ابن سینا دریافتند که آموزش از عمده‌ترین رسالت‌های یک جامعه و زیربنای توسعه پایدار انسانی و ابزار اصلی برای تحقق اهداف در جوامع به حساب می‌آید و بدیهی است که تحقق اهداف آموزشی نمی‌تواند بدون توجه به جنبه‌های اخلاقی صورت پذیرد، زیرا این دو پیوندی استوار و ناگسستنی دارند. کرم‌اللهی و آقاسی (Karamolahi & Aghasi, 2012) در بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی دریافتند که ارتباط با نامحرم و داشتن دوستی با جنس مخالف باعث گرایش به بدحجابی و یا نداشتن پوشش و یا سستی در آن می‌شود. سفیدی و همکاران (Sefidi et al, 2013) در بررسی تأثیر حجاب بر عزت نفس، رابطه معناداری را بین عزت نفس و حجاب در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین پیدا کردند ($p < 0/01$). یعنی دارا بودن حجاب مناسب، نشان دهنده‌ی عزت نفس بالای دانشجویان است. ولیکن رابطه بین عزت نفس و مشخصات دموگرافیک سن، مقطع تحصیلی، دهه‌ی تولد، رشته تحصیلی و ترم تحصیلی معنادار نبود. اسکویی و عبدی (Oskouei & Abdi, 2013) در بررسی مقایسه بین استفاده‌کنندگان مواد آرایشی دریافتند که استفاده‌کنندگان غلیظ مواد آرایشی می‌خواهند زیبایی منحصر به فردی داشته باشند و تا حد زیادی به ظاهر خود اعم از پوشش و نحوه‌ی آرایش خود اهمیت می‌دهند و اختلالات شخصیت ضداجتماعی، اضطراب، افسردگی و اختلال بدشکلی بدن و خودشیفتگی در آن‌ها بیشتر دیده می‌شود؛ ولیکن استفاده‌کنندگان عادی مواد آرایشی از حجاب و پوشش مناسب‌تری برخوردارند. افتخاری و اسدی (Eftekhari & Asadi, 2013) در ارتباط با کرامت انسانی دریافتند که کرامت یک حق سلب‌نشده در وجود انسان است که با توجه به افاضه عقل به این وجود و امیده شدن روح الهی در کالبدش به او اعطا شده است. البته خود انسان می‌تواند این ارزش ذاتی را نادیده بگیرد. طالبی دلیر و رضوی طوسی (Talebi Dalir & Razavi Tusi, 2013) در بررسی اعتقاد به حجاب و نگرش‌های مربوط به آن دریافتند که بین متغیر اعتقاد به حجاب با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و سابقه سکونت در تهران رابطه معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش سن، تحصیلات و سابقه سکونت در تهران اعتقاد به حجاب بیش‌تر می‌شود. همچنین اعتقاد به حجاب در میان متأهل‌ها بیش‌تر از مجردهاست. ولیا و فارکا (Velea & Farca, 2013) در بررسی نقش معلمان در تربیت اخلاقی و عاطفی کودکان دریافتند که برای انجام تغییرات کامل در آموزش و پرورش باید از آموزش معلم آغاز کنیم. فقط با معلمان عاطفی بالغ، متعادل و خلاق می‌توانیم مدارس را رو به تغییر بهتر سوق دهیم. اگر معلمان بتوانند اعتماد به نفس را در خود توسعه دهند، در کودکان و حتی والدین آن‌ها نیز خواهند توانست آن را به وجود آورند. سیاح ورگ و همکاران (Sayah Varg et al, 2014) در بررسی عوامل مؤثر بر عفاف و حجاب دختران مقطع متوسطه استان خراسان شمالی دریافتند که رابطه معناداری بین متغیرهای عدم تمایل بر مد، دینداری، درآمد والدین، تحصیلات پدر و مادر با متغیر عفاف و حجاب وجود

دارد ($p < 0/05$). مولایی و یوسفوند (Molaei & Yusoufvand, 2014) در بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب نشان دادند که بین تصور فرد از بدن و اعتقادات دینی با گرایش به حجاب رابطه معناداری وجود دارد ($p = 0/000$). میرخانی و صفایی (Mirkhani & Safaee, 2014) در ارتباط با جایگاه عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده دریافتند که میان عفت جنسی و تحکیم بنیان خانواده ارتباط مستقیمی وجود دارد. یعنی رعایت هر چه بیش‌تر عفت جنسی موجبات افزایش تحکیم بنیان خانواده را فراهم می‌آورد. خادم‌پیر (Khadem Pir, 2015) در مقایسه حیای نفسانی و ایمانی دریافت که حیای نفسانی به جنسیت وابسته است و زمانی که کمرنگ می‌شود زنان را بیش از مردان درگیر مشکلات کرده و خود آرایی و تبرج و جلوه‌گری زنان به جامعه کشیده می‌شود؛ ولیکن حیای ایمانی بالاتر از حیای نفسانی است. هر چه ایمان فرد قوی‌تر شود این حیا در او بیش‌تر می‌شود. میری و سبحانی‌نیا (Miri & Sobhani, 2015) در بررسی انحراف در غیرت‌ورزی و پیامدهای آن در آموزه‌های اسلامی، غیرت را یکی از صفات اخلاقی می‌دانند که در مرحله عمل، یعنی غیرت‌ورزی، ممکن است دچار آسیب شود و از مسیر صحیح خود خارج شود. خروج غیرت از محدوده‌های خود منجر به افراط یا تفریط در غیرت‌ورزی می‌شود. آنان دریافتند که در جامعه امروزی کوتاهی و تفریط در غیرت، بیشتر از افراط در آن مشاهده می‌شود که زمینه‌های فساد را در خانواده فراهم می‌کند و موجب می‌شود حیا، عفت، مودت و رحمتی که بین انسان‌ها در جامعه و خانواده است، از میان برود. ناینگ و چن (Ngang & Chan, 2015) در بررسی خود به اخلاق، مهارت‌های اخلاقی و حرفه‌ای معلمان تازه‌کار اهمیت می‌دهند. از دیدگاه مدیران، معلمان تازه‌کار بسیار فاقد اخلاق، مهارت اخلاقی و حرفه‌ای هستند، در نتیجه به کار خود متعهد نیستند؛ بنابراین بیشترین امتیاز به مهارت‌های اخلاق، مهارت اخلاقی و حرفه‌ای داده شده است. نتایج حاکی از آن است که آموزش ضمن خدمت واقعاً نمی‌تواند به بهبود اخلاق، مهارت‌های اخلاقی و حرفه‌ای معلمان تازه‌کار کمک کند، بنابراین مدیران پیشنهاد می‌کنند که معلمان یک دوره آموزش مهارت‌های اخلاقی در طول چهار سال از تدریس دوره آموزش‌های حرفه‌ای به عهده گیرند.

در دهه‌های اخیر با وجود تلاش‌های فراوان نظام‌های تربیتی در سراسر جهان و توسعه مباحث اخلاقی، انحرافات اخلاقی گوناگونی به ویژه بین نوجوانان و جوانان رو به افزایش است. در کشور ما نیز اگرچه به ویژه پس از انقلاب اسلامی به تربیت اخلاقی اهمیت زیادی داده شده است و تلاش‌های فراوانی در ترویج ارزش‌های اخلاقی صورت گرفته، ولیکن اهداف مورد نظر به نحو مطلوب محقق نشده‌اند.

رفتار نسل جوان ما نشان می‌دهد که با اشکالات فراوان در این زمینه روبه‌رو هستیم. ریشه‌های این مسئله را باید در ناکارآمدی برنامه‌های تربیتی و به عبارت دقیق‌تر در نگاه ناقص به مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی جستجو کرد. متأسفانه در شرایطی که تهاجم فرهنگی و انحرافات اخلاقی روز به روز گسترده‌تر می‌شود، رهایی از چنین گرفتاری ممکن نیست مگر با تربیت پرورشی و اخلاقی جوانان و فرزندان، تربیت اخلاقی می‌تواند آن‌ها را در مقابل این انحرافات واکنش‌ناپذیر کند. لذا این پژوهش درصدد است به جای تأکید بر رعایت پوشش مناسب و حجاب اسلامی باید تأکید بر تربیت اخلاقی شود تا با تقویت آن رعایت حجاب در افراد نهادینه شود. در این پژوهش با توجه به اهمیت و جایگاه مهم تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان، پژوهشگر درصدد بررسی نقش تربیت اخلاقی و شش مؤلفه‌های مربوط به آن یعنی، عفت، شرم و حیا، غیرت، وقار و متانت، کرامت و عزت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان می‌باشد. بنابراین فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

(۱) تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۲) عفت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۳) شرم و حیا در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۴) غیرت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد (۵) وقار و متانت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۶) کرامت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۷) عزت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد. (۸) نقش عوامل دموگرافیک (دانشکده، وضعیت تأهل، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، نوع پوشش و محل سکونت فعلی) بر میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان متفاوت است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دختر دانشگاه کاشان در دو مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۳۲۵۲ نفر می‌باشد. در جدول شماره‌ی (۱) تعداد کل دانشجویان دختر به تفکیک دانشکده و مقطع تحصیلی آورده شده است.

جدول(۱): تعداد کل دانشجویان دختر به تفکیک دانشکده و مقطع تحصیلی

دانشکده	ادبیات	علوم	علوم	مهندسی	معماری	منابع	جمع
	و زبان -	انسانی	پایه	وفناوری	و هنر	طبیعی	

تعداد	های خارجی	نانو و تکنولوژی	و علوم زمین	تعداد	های خارجی	نانو و تکنولوژی	و علوم زمین	تعداد
کارشناسی	۴۵۳	۴۹۴	۶۶۹	۰	۴۲۸	۳۸۷	۰	۲۴۳۱
کارشناسی ارشد	۱۲۱	۱۱۵	۲۴۳	۶۹	۱۱۳	۱۱۲	۴۸	۸۲۱
جمع	۵۷۴	۶۰۹	۹۱۲	۶۹	۵۴۱	۴۹۹	۴۸	۳۲۵۲

منبع: واحد اطلاعات و آمار دانشگاه کاشان سال ۱۳۹۴

همچنین در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که طبق آن حجم نمونه براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم ۳۴۴ نفر برآورد شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{3252} \left[\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1 \right]} = 344$$

در این فرمول N همان حجم کل جامعه آماری است و z مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد می‌باشد که برای ۰/۰۵ سطح معناداری معادل ۱/۹۶ است. p نسبتی از جمعیت دارای صفت معین و q نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (1-q)، d مقدار اشتباه مجاز یا درصد خطا می‌باشد که در پژوهش‌های علوم انسانی ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود (Hafeznia, 2008, p142). در جدول شماره‌ی (۲) تعداد دانشجویان دختر به تفکیک دانشکده و مقطع تحصیلی بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم آورده شده است.

جدول (۲): تعداد دانشجویان دختر به تفکیک دانشکده و مقطع تحصیلی بر اساس نمونه‌گیری

تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم

تعداد	ادبیات و زبان-های خارجی	علوم انسانی	علوم پایه و فناوری نانو و تکنولوژی	مهندسی و هنر	معماری و علوم زمین	منابع طبیعی و علوم زمین	جمع
۴۶	۵۰	۶۹	۰	۴۳	۳۹	۰	۲۴۷

کارشناسی							
تعداد	۱۱	۱۰	۲۴	۱۷	۱۰	۱۵	۹۷
کارشناسی							
ارشد							
جمع	۵۷	۶۰	۹۳	۱۷	۵۳	۴۹	۳۴۴

برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه محقق ساخته تربیت اخلاقی و حجاب استفاده شده است:

الف) پرسشنامه تربیت اخلاقی: پرسشنامه محقق ساخته تربیت اخلاقی با ۳۹ گویه در قالب شش مؤلفه (عفت، شرم وحیا، غیرت، وقار و متانت، کرامت و عزت) بر حسب طیف پنج درجه‌ای لیکرت^۱ (همیشه، اغلب اوقات، بعضی اوقات، به ندرت و هرگز) تنظیم گردید. ابتدا پرسشنامه در قالب ۴۱ سؤال طراحی شده بود که پس از اجرای مطالعه مقدماتی بر روی ۴۰ نفر و تعیین روایی و پایایی به ۳۹ سؤال تقلیل یافت. در جدول شماره‌ی (۳) تعداد سؤالات پرسشنامه تربیت اخلاقی به تفکیک مؤلفه‌های آن نشان داده شده است.

جدول (۳): تعداد سؤالات پرسشنامه تربیت اخلاقی به تفکیک مؤلفه‌های آن

ردیف	مؤلفه‌های تربیت اخلاقی	شماره‌ی سؤالات
۱	عفت	۷-۱
۲	شرم وحیا	۱۴-۸
۳	غیرت	۲۰-۱۵
۴	وقار و متانت	۲۵-۲۱
۵	کرامت	۳۱-۲۶
۶	عزت	۳۹-۳۲
جمع سؤالات		۳۹

ب) پرسشنامه حجاب: پرسشنامه محقق ساخته حجاب با ۲۱ گویه بر حسب طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم گردید. ابتدا پرسشنامه در قالب ۲۳ سؤال طراحی شده بود که پس از اجرای

۱. Likert

مطالعه مقدماتی بر روی ۴۰ نفر و تعیین روایی و پایایی به ۲۱ سؤال تقلیل یافت. از آنجا که گویه‌های هر دو پرسشنامه دارای جنبه‌ی مثبت و منفی می‌باشند؛ در گویه‌های مثبت میانگین بالاتر از حد متوسط (۳) و در گویه‌های منفی میانگین پایین‌تر از حد متوسط (۳) مطلوب تلقی می‌شوند. در جدول شماره‌ی (۴) مقیاس پاسخدهی به سؤالات پرسشنامه تربیت اخلاقی و حجاب بر اساس طیف لیکرت آمده است.

جدول (۴): مقیاس پاسخ دهی به سؤالات پرسشنامه‌ها بر اساس طیف لیکرت

طیف	همیشه	اغلب اوقات	بعضی اوقات	به ندرت	هرگز
نمره تربیت اخلاقی	۱	۲	۳	۴	۵
نمره حجاب	۱	۲	۳	۴	۵

روایی پرسش‌نامه‌ها به صورت محتوایی (توسط استاد راهنما، مشاور و سایر متخصصان) و به صورت سازه بررسی شده است. سنجش روایی سازه‌ای با استفاده از آماره KMO^۱ که مقدار آن برای پرسشنامه تربیت اخلاقی ۰/۹۴ و برای پرسشنامه حجاب ۰/۹۱ برآورد شده است، نشان دهنده‌ی قابل تأیید بودن ابعاد مختلف پرسشنامه‌های مورد استفاده می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج آزمون بارتلت^۲ که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است، نشان‌دهنده‌ی این است که از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود.

پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای تربیت اخلاقی ۰/۹۵ و برای حجاب ۰/۹۲ برآورد شده است که حاکی از بالا بودن پایایی ابزار اندازه‌گیری می‌باشد.

آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تربیت اخلاقی:

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right] = \frac{39}{39-1} \left[1 - \frac{57/757}{810/935} \right] = 0/953$$

آلفای کرونباخ برای پرسشنامه رعایت حجاب:

1. Kaiser Meyer olkin

2. Bartlett

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right] = \frac{21}{21-1} \left[1 - \frac{31/360}{269/903} \right] = 0/928$$

در این فرمول r_a ضریب آلفای کرونباخ می‌باشد، j تعداد سؤالات پرسشنامه، s_j^2 واریانس سؤالات پرسشنامه و s^2 واریانس کل آزمون می‌باشد (بیابانگرد، ۱۳۹۰: ۳۵۰).
تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، کمینه و بیشینه، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (رگرسیون، معادلات ساختاری، آزمون t و آزمون F) با استفاده از نرم-افزارهای SPSS²² و AMOS²² انجام شده است.

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی

به منظور شناخت ماهیت جامعه‌ای که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است ویژگی-های جمعیت شناختی دانشجویان از جمله دانشکده، وضعیت تأهل، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، نوع پوشش و محل اقامت فعلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نتایج حاصل از آن بدین قرار است: برحسب دانشکده حدود ۱۶/۶ درصد پاسخ‌دهندگان دانشجوی ادبیات و زبان‌های خارجی، ۱۷/۴ درصد دانشجوی علوم انسانی، ۲۷ درصد دانشجوی علوم پایه، ۴/۹ درصد دانشجوی علوم و فناوری نانو، ۱۵/۴ درصد دانشجوی مهندسی، ۱۴/۲ درصد دانشجوی معماری و هنر و ۴/۴ درصد دانشجوی منابع طبیعی و علوم زمین هستند. برحسب وضعیت تأهل حدود ۷۴ درصد نمونه مورد بررسی از دانشجویان مجرد و ۲۶ درصد متأهل بودند. برحسب دهه‌ی تولد حدود ۳ درصد دانشجویان مورد مطالعه متولد سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹، ۴۱ درصد متولد ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ و حدود ۵۶ درصد متولد سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ می‌باشند. برحسب سال ورودی دانشگاه، حدود ۱۸ درصد دانشجویان مورد بررسی ورودی سال ۹۱، ۲۱ درصد ورودی ۹۲، حدود ۳۱ درصد ورودی ۹۳ و حدود ۳۰ درصد ورودی سال ۱۳۹۴ می‌باشند. برحسب مقطع تحصیلی، حدود ۷۲ درصد دانشجویان در مقطع کارشناسی و حدود ۲۸ درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند. برحسب ترم تحصیلی حدود ۳۰ درصد دانشجویان در حال گذراندن ترم دوم، ۳۱ درصد ترم چهارم، ۲۱ درصد ترم ششم، و ۱۸ درصد نیز در حال گذراندن ترم هشتم تحصیلی می‌باشند. برحسب نوع پوشش حدود ۴۵ درصد دانشجویان چادری، ۳۹ درصد مانتویی و حدود ۱۶ درصد گاهی چادری و گاهی مانتویی می‌باشند. بر حسب محل اقامت فعلی،

3. Statistical Package for Social Science

4. Analysis of Moment Structures

حدود ۶۰ درصد دانشجویان مورد مطالعه خوابگاهی و حدود ۴۰ درصد غیر خوابگاهی هستند. در جدول شماره ۵) ویژگی های توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده است:
جدول ۵): میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
حجاب	۱۸	۹۰	۶۷/۴۲	۱۵/۲۱۵
تربیت اخلاقی	۵۵	۱۹۳	۱۴۴/۱۲	۲۸/۴۷۷
عفت	۸	۳۵	۲۳/۷۴	۶/۰۰۴
شرم و حیا	۷	۳۵	۲۸/۴۲	۵/۵۵۱
غیرت	۶	۳۰	۱۸/۶۴	۵/۹۳۵
وقار و متانت	۶	۲۵	۱۷/۹۲	۴/۵۷۲
کرامت	۱۰	۳۰	۲۴/۰۰	۵/۰۸۴
عزت	۱۰	۴۰	۳۱/۴۱	۶/۸۷۸

در جدول شماره ۵) مشاهده می شود که میانگین رعایت حجاب ۶۷/۴۲ است در حالی که کمینه و بیشینه آن ۱۸ و ۹۰ گزارش شده است، همچنین میانگین تربیت اخلاقی ۱۴۴/۱۲ با کمینه و بیشینه ۵۵ و ۱۹۳ می باشد.

ب) آمار استنباطی

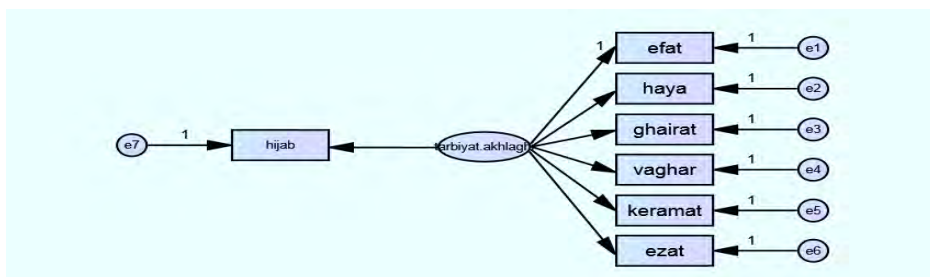
در این قسمت به بررسی فرضیه های پژوهش پرداخته می شود.

فرضیه اصلی پژوهش: تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان

نقش دارد.

ابتدا مدل مفهومی پژوهش در نمودار شماره ۱) آورده شده و بر اساس آن برازش مدل مفهومی پژوهش در جدول شماره ۶) برآورد شده است که نشان دهنده تأیید مدل کلی پژوهش است. سپس ضرایب رگرسیونی غیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش در جدول شماره ۷) آورده شده که نشان دهنده تأیید روابط موجود در مدل به طور جداگانه می باشد. در جدول شماره ۸) نیز معناداری ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش در مدل مفهومی تأیید می شود؛

یعنی فرضیه اصلی مورد تأیید قرار گرفته است. در انتها نیز مدل مفهومی پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی استاندارد در نمودار شماره ۱ (۲) نشان داده شده است.



نمودار (۱): مدل مفهومی تحقیق (ارتباط تربیت اخلاقی و رعایت حجاب)

الف) برازش مدل مفهومی پژوهش

به طور کلی هر یک از شاخص‌های به دست آمده برای مدل به تنهایی دلیل برازندگی مدل یا عدم برازندگی آن نیست، بلکه باید این شاخص‌ها را در کنار یکدیگر و با هم تفسیر کرد.

جدول (۶): شاخص‌های برازش مدل

شاخص	بر آورد	برازش قابل قبول مدل
χ^2 و p-value	Chi-square = ۱۳/۷۷۶	0.05 > P
	Df = ۱۴	
	Probability level = ۰/۴۶۶	
$\frac{\chi^2}{df}$	۰/۹۸۴	$1 \leq \frac{\chi^2}{df} \leq 5$
GFI	۰/۹۶۰	$GFI \geq 0.9$
RMSEA	۰/۰۰۰	$RMSEA \leq 0.08$
TLI	۱/۰۰۰	$TLI \geq 0.9$
NFI	۰/۹۷۶	$NFI \geq 0.9$
CFI	۱/۰۰۰	$CFI \geq 0.9$
IFI	۱/۰۰۰	$IFI \geq 0$
PRATIO	۰/۶۶۷	$PRATIO \geq 0.5$
AGFI	۰/۹۲۱	$AGFI \geq 0.9$

نتایج جدول شماره‌ی (۶) نشان می‌دهد که الگو در جهت برآزش از وضعیت مناسبی برخوردار است. شاخص‌های تناسب مدل بیانگر مناسب بودن مدل اندازه‌گیری می‌باشد. البته تأیید کلی مدل به این معنا نیست که همه روابط موجود در مدل تأیید شده‌اند. به همین علت روابط موجود در مدل به طور جداگانه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ب) ضرایب رگرسیونی غیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش

جدول (۷): ضرایب رگرسیونی غیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش

روابط مدل مفهومی	برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری	نتیجه
تربیت اخلاقی ← عفت	۱/۰۰۰				ارتباط تأیید می‌شود
تربیت اخلاقی ← شرم و حیا	۰/۹۳۶	۰/۰۷۹	۱۱/۸۴۹	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود
تربیت اخلاقی ← غیرت	۰/۵۹۱	۰/۱۰۸	۵/۴۹۱	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود
تربیت اخلاقی ← وقار و متانت	۰/۷۴۷	۰/۰۶۷	۱۱/۱۴۶	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود
تربیت اخلاقی ← کرامت	۰/۸۸۵	۰/۰۷۰	۱۲/۶۰۸	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود
تربیت اخلاقی ← عزت	۱/۱۲۵	۰/۱۰۱	۱۱/۱۸۵	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود

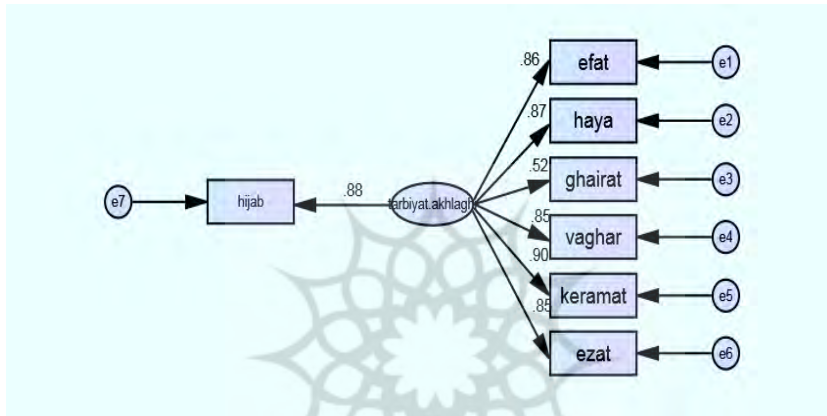
در جدول شماره‌ی (۷) بارهای عاملی غیر استاندارد به همراه نسبت بحرانی و مقدار P (سطح معناداری) گزارش شده است. این شاخص‌های برآزش نشان می‌دهند که کلیه بارهای عاملی دارای تفاوت معناداری با صفر هستند ($p < ۰/۰۵$). بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد تمامی روابط موجود در مدل تأیید می‌شوند. به عبارت دیگر تمامی شاخص‌های موجود در مدل، متغیر پنهان خود را اندازه‌گیری می‌کنند.

جدول (۸): بررسی معناداری ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش در مدل مفهومی پژوهش

روابط مدل مفهومی	برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری	نتیجه
تربیت اخلاقی ← رعایت حجاب	۲/۵۷۳	۰/۲۱۶	۱۱/۹۱۰	۰/۰۰۰	ارتباط تأیید می‌شود

در جدول شماره ۵ (۸) ضرایب رگرسیونی غیر استاندارد به همراه نسبت بحرانی و مقدار P (سطح معناداری) گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد تربیت اخلاقی در سطح اطمینان ۹۵ درصد در رعایت حجاب نقش دارد. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود ($p < 0/05$).

ج) مدل مفهومی پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی استاندارد



نمودار (۲): مدل مفهومی پژوهش به همراه ضرایب مسیر

در نمودار شماره ۵ (۲) اعداد و ضرایب دو نوع هستند، ضرایب اندازه‌گیری شده بین متغیر تربیت اخلاقی و شاخص‌های آن، که اصطلاحاً بارهای عاملی^۱ نامیده می‌شوند و بر اساس مقدار این بارها، شاخصی که ضرایب کوچک‌تری داشته باشد سهم کمتری در اندازه‌گیری سازه مربوطه دارد. لذا در متغیر تربیت اخلاقی شاخص‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از: کرامت (۰/۹۰)، شرم و حیا (۰/۸۷)، عفت (۰/۸۶)، عزت (۰/۸۴۷)، وقار و متانت (۰/۸۴۶) و غیرت (۰/۵۲). دسته دوم ضریب بین متغیرهای اصلی پژوهش است که اصطلاحاً ضریب مسیر^۲ گفته می‌شود. ضریب همبستگی تربیت اخلاقی و رعایت حجاب برابر (۰/۸۸) است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۷۷۴ برآورد شده است. این ضریب توانایی پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را بررسی می‌کند. بر این اساس متغیر تربیت اخلاقی توانسته است ۷۷/۴۴ درصد از تغییرات رعایت حجاب را پیش‌بینی کند.

1. Loading factor

2. Path coefficient

پاسخ به فرضیه‌های فرعی پژوهش

فرضیه ۱: عفت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۹): ضرایب رگرسیونی نقش عفت در رعایت حجاب

مدل رگرسیونی	ضریب B	خطای معیار B	ضریب Beta	t	سطح معناداری
عفت ← رعایت حجاب	۱/۹۳۸	۰/۰۸۸	۰/۷۶۵	۹۳	۰/۰۰۰
		۰		۲۱/۹	

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۹) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه اول تأیید می‌شود. یعنی عفت در رعایت حجاب دانشجویان نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی (۰/۷۶۵) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان عفت بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۲: شرم و حیا در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۱۰): ضرایب رگرسیونی نقش شرم و حیا در رعایت حجاب

مدل رگرسیونی	ضریب B	خطای معیار B	ضریب Beta	t	سطح معناداری
شرم و حیا ← رعایت حجاب	۲/۰۳۲	۰/۰۹۹	۰/۷۴۱	۲۰/۴۳۶	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۰) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه دوم تأیید می‌شود. یعنی شرم و حیا در رعایت حجاب نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی (۰/۷۴۱) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان شرم و حیا بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۳: غیرت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۱۱): ضرایب رگرسیونی نقش غیرت در رعایت حجاب

مدل رگرسیونی	ضریب B	خطای معیار B	ضریب Beta	t	سطح معناداری
غیرت ← رعایت حجاب	۱/۲۹۳	۰/۱۲۰	۰/۵۰۴	۱۰/۸۰۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۱) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه سوم تأیید می‌شود. یعنی غیرت در رعایت حجاب نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($0/504$) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان غیرت بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۴: وقار و متانت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۱۲): ضرایب رگرسیونی نقش وقار و متانت در رعایت حجاب

مدل رگرسیونی	ضریب B	خطای معیار B	ضریب Beta	t	سطح معناداری
وقار و متانت ← رعایت حجاب	۲/۴۳۶	۰/۱۲۳	۰/۷۳۲	۱۹/۸۷۹	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۲) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه چهارم تأیید می‌شود. یعنی وقار و متانت در رعایت حجاب نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($0/732$) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان وقار و متانت بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۵: کرامت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۱۳): ضرایب رگرسیونی نقش کرامت در رعایت حجاب

مدل رگرسیونی	ضریب B	خطای معیار B	ضریب Beta	t	سطح معناداری
کرامت ← رعایت حجاب	۲/۳۳۷	۰/۱۰۱	۰/۷۸۱	۲۳/۱۳۴	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۳) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه پنجم تأیید می‌شود. یعنی کرامت در رعایت حجاب نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($0/781$) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان کرامت بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۶: عزت در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان نقش دارد.

جدول (۱۴): ضرایب رگرسیونی نقش عزت در رعایت حجاب

سطح معناداری	t	ضریب Beta	خطای معیار B	ضریب B	مدل رگرسیونی
۰/۰۰۰	۲۸	۰/۷۷۰	۰/۰۷۶	۷۰	عزت ← رعایت حجاب
	۲۲/۶			۱/۲	

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۴) با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ($p < 0/05$)، فرضیه ششم تأیید می‌شود. یعنی عزت در رعایت حجاب نقش دارد. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی (۰/۷۷۰) می‌توان گفت این دو متغیر رابطه مثبت و هم‌جهت دارند یعنی هر چه دانشجویان عزت بیشتری داشته باشند از حجاب بهتری برخوردار خواهند بود.

فرضیه ۷: نقش عوامل دموگرافیک (دانشکده، وضعیت تأهل، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، نوع پوشش و محل سکونت فعلی) بر میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان متفاوت است.

برای بررسی نقش هر یک از متغیرهای دموگرافیک در ارزیابی متغیرهای پژوهش از آزمون‌های آماری (F و t) استفاده می‌شود. در جدول شماره‌ی (۱۵) میانگین و انحراف معیار هر یک از عوامل دموگرافیک آورده شده است.

جدول (۱۵): میانگین و انحراف معیار هر یک از عوامل دموگرافیک

متغیرهای جمعیت شناختی دانشکده	N	تربیت اخلاقی		حجاب	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دانشکده ادبیات و زبان های خارجی	۵۷	۱۴۶/۶۵	۲۹/۹۸۷	۶۷/۳۳	۱۵/۹۸۵
دانشکده علوم انسانی	۶۰	۱۴۶/۴۳	۲۷/۶۶۸	۶۸/۶۷	۱۴/۳۵۲

۱۴/۹۹۱	۶۹/۶۲	۲۷/۵۰۸	۱۵۱/۶۹	۹۳	دانشکده علوم پایه
۱۱/۰۸۰	۶۷/۴۱	۲۰/۵۵۱	۱۴۴/۱۲	۱۷	دانشکده علوم و فناوری نانو
۱۷/۹۷۷	۶۳/۶۸	۳۰/۹۴۶	۱۳۳/۹۱	۵۳	دانشکده مهندسی
۱۴/۹۱۳	۶۵/۷۶	۲۶/۲۱۱	۱۳۷/۵۹	۴۹	دانشکده معماری و هنر
۹/۹۸۰	۶۷/۸۰	۲۵/۱۲۹	۱۳۵/۸۰	۱۵	دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین
وضعیت تأهل					
۱۴/۲۵۸	۶۸/۱۵	۲۶/۶۰۹	۱۴۴/۸۸	۲۵۴	مجرد
۱۷/۵۶۵	۶۵/۳۸	۳۳/۲۶۰	۱۴۱/۹۸	۹۰	متاهل
دهه‌ی تولد					
۱۲/۹۷۱	۷۵/۳۳	۲۱/۲۳۷	۱۶۱/۴۴	۹	دهه‌ی تولد ۱۳۵۰
۱۸/۲۷۹	۶۵/۰۱	۳۳/۴۰۹	۱۴۰/۳۷	۱۴۲	دهه‌ی تولد ۱۳۶۰
۱۲/۳۲۶	۶۸/۸۳	۲۴/۱۲۴	۱۴۶/۰۷	۱۹۳	دهه‌ی تولد ۱۳۷۰
سال ورود به دانشگاه					
۱۶/۱۱۷	۶۷/۹۴	۳۱/۱۷۷	۱۴۱/۶۳	۶۲	سال ورود به دانشگاه ۱۳۹۱
۱۷/۳۲۰	۶۶/۵۸	۲۹/۶۷۸	۱۴۴/۴۷	۷۳	سال ورود به دانشگاه ۱۳۹۲
۱۳/۷۷۰	۶۷/۹۸	۲۷/۶۰۰	۱۴۴/۱۷	۱۰۵	سال ورود به دانشگاه ۱۳۹۳
۱۴/۶۵۷	۶۷/۱۴	۲۷/۱۰۶	۱۴۵/۳۲	۱۰۴	سال ورود به دانشگاه ۱۳۹۴
مقطع تحصیلی					
۱۵/۷۴۰	۶۵/۷۳	۲۸/۹۷۲	۱۴۱/۷۴	۲۴۷	مقطع تحصیلی کارشناسی
۱۲/۸۸۹	۷۱/۷۳	۲۶/۳۵۷	۱۵۰/۱۹	۹۷	مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد
ترم تحصیلی					
۱۴/۶۵۷	۶۷/۱۴	۲۷/۱۰۶	۱۴۵/۳۲	۱۰۴	ترم دوم
۱۳/۷۷۰	۶۷/۹۸	۲۷/۶۰۰	۱۴۴/۱۷	۱۰۵	ترم چهارم
۱۷/۳۲۰	۶۶/۵۸	۲۹/۶۷۸	۱۴۴/۴۷	۷۳	ترم ششم

۹۲ بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان

۱۶/۱۱۷	۶۷/۹۴	۳۱/۱۷۷	۱۴۱/۶۳	۶۲	ترم هشتم
نوع پوشش					
۱۱/۳۴۶	۷۵/۴۵	۲۱/۷۸۸	۱۵۸/۴۳	۱۵۵	پوشش چادری
۱۴/۶۸۷	۵۹/۹۵	۲۷/۴۳۳	۱۳۰/۳۰	۱۳۳	پوشش مانتویی
۱۵/۱۲۴	۶۲/۹۶	۲۸/۹۱۴	۱۳۷/۳۴	۵۶	پوشش گاهی چادری و گاهی مانتویی
محل سکونت فعلی					
۱۳/۸۲۶	۶۷/۹۰	۲۵/۹۵۴	۱۴۴/۹۰	۲۰۶	دانشجویان خوابگاهی
۱۷/۱۰۷	۶۶/۷۰	۳۱/۹۳۹	۱۴۲/۹۶	۱۳۸	دانشجویان غیر خوابگاهی

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۵) استنباط می‌شود دانشجویان دانشکده علوم پایه، دانشجویان مجرد، دانشجویان دهه‌ی ۵۰، دانشجویان کارشناسی ارشد، دانشجویان چادری و دانشجویان خوابگاهی بیشترین نمره تربیت اخلاقی و رعایت حجاب را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین دانشجویان ورودی سال ۹۴ بیش‌ترین نمره تربیت اخلاقی و دانشجویان ورودی سال ۹۳ بیشترین نمره رعایت حجاب را به خود اختصاص داده‌اند و دانشجویان ترم دوم بیشترین نمره تربیت اخلاقی و دانشجویان ترم چهارم بیشترین نمره رعایت حجاب را دریافت کرده‌اند.

برای آزمون معناداری تفاوت‌های به دست آمده برای مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش به تفکیک دانشکده، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، ترم تحصیلی و نوع پوشش از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره‌ی (۱۶) نشان داده شده است.

جدول (۱۶): نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین متغیرهای دانشکده، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، ترم تحصیلی و نوع پوشش

رعایت حجاب		تربیت اخلاقی		ویژگی‌های جمعیت شناختی
مقدار P	آماره F	مقدار P	آماره F	
۰/۴۰۸	۱/۰۲۶	۰/۰۰۵	۳/۱۲۷	دانشکده
۰/۰۲۱	۳/۸۹۵	۰/۰۳۵	۳/۳۹۵	دهه‌ی تولد
۰/۹۲۵	۰/۱۵۷	۰/۸۸۱	۰/۲۲۲	سال ورود به دانشگاه
۰/۹۲۵	۰/۱۵۷	۰/۸۸۱	۰/۲۲۲	ترم تحصیلی

۰/۰۰۰	۵۱/۸۷۱	۰/۰۰۰	۴۶/۶۲۰	نوع پوشش
-------	--------	-------	--------	----------

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۶) برحسب دانشکده، آماره F با سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ برای متغیر تربیت اخلاقی معنادار است. بنابراین تفاوت تربیت اخلاقی بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر آماری معنادار است ($p < 0/05$). همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که رعایت حجاب بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر آماری معنادار نیست. برحسب دهه‌ی تولد و نوع پوشش مقدار آماره F با سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ برای متغیر تربیت اخلاقی و رعایت حجاب معنادار است. بنابراین تفاوت تربیت اخلاقی و رعایت حجاب بین دانشجویان دهه‌های مختلف و دانشجویان با نوع پوشش مختلف از نظر آماری معنادار است ($p < 0/05$). برحسب سال ورود به دانشگاه و ترم تحصیلی، از مقدار آماره F و مقدار p بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با وجود اینکه میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب بین دانشجویان ورودی سال‌های مختلف و دانشجویان ترم‌های مختلف متفاوت است، ولی این اختلاف از نظر آماری معنادار نیست.

برای آزمون معناداری تفاوت‌های به دست آمده برای مقایسه میانگین نمرات متغیرهای پژوهش به تفکیک وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و محل سکونت فعلی، از آزمون تی مستقل استفاده شده است.

جدول (۱۷): آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین نمرات متغیرهای وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و محل سکونت فعلی

رعایت حجاب		تربیت اخلاقی		ویژگی‌های
مقدار P	آماره t	مقدار P	آماره t	جمعیت شناختی
۰/۱۸۱	۱/۳۴۶	۰/۴۵۶	۰/۷۴۸	وضعیت تأهل
۰/۰۰۰	-۳/۶۴۳	۰/۰۱۳	-۲/۴۹۴	مقطع تحصیلی
۰/۴۹۳	۰/۶۸۷	۰/۵۵۴	۰/۵۹۲	محل سکونت فعلی

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی (۱۷) برحسب مقطع تحصیلی، از مقدار آماره t و مقدار p بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت، بین میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد اختلاف وجود دارد، ولیکن این اختلاف از نظر آماری معنادار است ($p < 0/05$).

ولی برحسب وضعیت تأهل و محل سکونت فعلی از مقدار آماره تی و مقدار p به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با وجود اینکه بین میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان مجرد و متأهل و همچنین دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی اختلاف وجود دارد، ولی این اختلاف از نظر آماری معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز و در همه جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است. بشر امروزی نیز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ضعف ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به فضائل اخلاقی روی آورد. اگر تربیت رو کردن آزادانه به ارزش‌هایی که زمینه تکامل انسان را فراهم می‌کنند؛ تعریف شود، می‌توان بیان کرد که با همه‌ی پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی علم و تکنولوژی صورت گرفته، هیچ تغییری در تکامل انسان‌ها رخ نداده است و حتی این پیشرفت‌ها موجب تنزل آن‌ها شده است و از آن‌ها افرادی روگردان از ارزش‌ها ساخته است. یکی از مهم‌ترین ارزش‌های دینی و اخلاقی که بحث از آن همواره مورد توجه محافل مختلف فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ما بوده است، مفهوم حجاب می‌باشد. حجاب در جامعه نقش مهمی دارد و این نقش در ارتباط با زندگی زنان بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. حال با توجه به اینکه حجاب به عنوان یکی از آموزه‌های حیات بخش قرآن کریم و سنت نورانی رسول رب- العالمین و خاندان مطهر صلوات الله علیه و علیهم اجمعین در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه رفیعی برخوردار است می‌توان بیان کرد که اگر جامعه و به خصوص نهادهای آموزشی، به تربیت اخلاقی نوجوانان و جوانان توجه خاصی داشته باشند، آن‌ها خود را مقید به رعایت حجاب خواهند دانست و سعی در رعایت آن در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... خواهند داشت. بر این اساس هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان بود.

طبق فرضیه اصلی پژوهش، با سطح اطمینان ۹۵ درصد تمامی روابط موجود در مدل تأیید شد. بنابراین فرضیه اول پژوهش با مقدار ($p < 0.05$) مورد تأیید قرار گرفت. به طور کلی در این پژوهش متغیر تربیت اخلاقی توانسته است ۷۷/۴۴ درصد از تغییرات حجاب را پیش‌بینی کند. نتایج پژوهش کرم‌اللهی و آقاسی (Karamolahi & Aghasi, 2012) هم‌سو با نتایج پژوهش حاضر است زیرا تربیت اخلاقی درست می‌تواند باعث حجاب بیشتری در فرد شود و افرادی که به راحتی با نامحرم ارتباط برقرار می‌کنند و شئون اخلاقی را مراعات نمی‌کنند، مقید به حجاب مناسبی نیز نیستند. پژوهش‌های خلیلی و همکاران (Khalili et al, 2011)، سینگ (Singh, 2001)، براندون و

همکاران (Brandon et al, 2007)، نامنن و کلپی (Numminen & Kilpi, 2007)، ولیا و فارکا (Velea & Farca, 2013)، ناینگ و چن (Ngang & Chan, 2015) هم‌سو با نتایج پژوهش حاضر است، زیرا دریافتند که آموزش اخلاق از عمده‌ترین رسالت‌های یک جامعه و زیربنای توسعه پایدار انسانی است. زیرا در سایه‌ی اخلاق و تربیت درست، رفتار فرد بهبود پیدا می‌کند. نتایج پژوهش سیاح ورگ و همکاران (Sayah Varg et al, 2014)، مولایی و یوسف‌وند (Molaei & Yusoufvand, 2014) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا آن‌ها دریافتند که بین متغیر دینداری و حجاب و عفاف رابطه وجود دارد ($p < 0.05$). بر این اساس هر چه والدین در تربیت دینی و مذهبی بیش‌تر کوشا باشند و اعتقادات مذهبی را در فرزندان خود رشد دهند، حجاب و عفاف نیز در آن‌ها بیش‌تر نهادینه می‌شود.

طبق فرضیه فرعی اول، با اطمینان ۹۵ درصد، عفت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. پژوهش میرخانی و صفایی (Mirkhani & Safaee, 2014) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا آنان دریافتند که افزایش عفت جنسی از متزلزل شدن بنیان خانواده‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین پژوهش هاشمی (Hashemi, 2008) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا آنان نشان دادند که حجاب و عفاف، به صورت متقابل و دوسویه بر یکدیگر اثرگذار و از همدیگر اثرپذیرند؛ بدین‌سان حجاب و عفاف هریک بر پیدایی و تداوم دیگری، اثرگذارند. پژوهش جمشیدی (Jamshidi, 2008) نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا دریافت برای ایجاد و تحکیم عفت عمومی، زنان بایستی با پرهیز از تبرج، و با اتکا به وجوه مشترک انسانی در جامعه حضور پیدا کنند و جامعه را محل ابراز زنانگی قرار ندهند و با تبعیت از عقل و دین، به گونه‌ای عمل کنند که ضمن پاسخگویی به نیازها، سلامت جامعه را نیز پاس دارند.

طبق فرضیه فرعی دوم، با اطمینان ۹۵ درصد، شرم و حیا در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. پژوهش سایمن و نت (Simon & Nath, 2004) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا دریافت مردان به جای قادر بودن در کنترل حالت‌های شرم تمایل دارند عکس‌العمل‌های خود را به صورت اجتناب، رفتارهای جبرانی و پاسخ‌های جنگ و گریز نشان دهند. پژوهش خادم پیر (Khadem Pir, 2015) نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو است؛ زیرا نشان داد کم‌رنگ شدن حیای نفسانی در جامعه موجب خودآرایی، تبرج و جلوه‌گری زنان می‌شود.

طبق فرضیه فرعی سوم، با اطمینان ۹۵ درصد، غیرت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. تحقیق میری و سبحانی‌نیا (Miri & Sobhani, 2015) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا آنان دریافتند با رعایت اعتدال در غیرت زمینه‌های فساد اخلاقی در همه‌ی جوانب آن کم می‌شود. تحقیق بهویی و همکاران (Bhui et al, 2008) نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌سوست، زیرا آنان

دریافتند که انتخاب لباس‌های سنتی و مذهبی بر لباس‌های غربی باعث بهزیستی و شادکامی در افراد می‌شود.

طبق فرضیه فرعی چهارم، با اطمینان ۹۵ درصد، وقار و متانت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. پژوهش مستقیمی و همکاران (Mustaghimi et al, 2010) به نوعی با نتایج پژوهش هم‌سو می‌باشد، زیرا آنان دریافتند زبان قرآن یک زبان یکپارچه و هماهنگ است. قرآن هم در گزینش واژگان، هم در بهره‌گیری از زبان مخاطب و هم در اندیشه‌های زیر ساختی حاکم بر زبان به نحوی یکپارچه و درهم تنیده عمل می‌کند. همچنین قرآن کریم در سطح لغت و در بیان مفاهیم مربوط به التذاذات (قلبی، سمعی، لمسی و مقاریتی) با صراحت سخن نمی‌گوید.

طبق فرضیه فرعی پنجم، با اطمینان ۹۵ درصد، کرامت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. افتخاری و اسدی (Eftekhari & Asadi, 2013) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو است، زیرا آنان دریافتند که کرامت یک حق سلب نشدنی در وجود انسان است که با توجه به افاضه عقل به این وجود و دمیده شدن روح الهی در کالبدش به او اعطا شده است. البته خود انسان می‌تواند این ارزش ذاتی را نادیده بگیرد. حال اگر انسان قدر نعمات الهی را بداند، برای وجود خود کرامت و ارزش قائل می‌شود و اجازه نمی‌دهد این کرامت و شخصیت وی خدشه‌دار شود. پژوهش خیابانی و ویلیامسون (Khiabany & Williamson, 2008)،

مهتا (Mehta, 2010) با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست، زیرا آنان در تحقیقات خود به تأثیر عمیق رسانه‌ها اشاره می‌کنند که باعث شده الگوها و سبک‌های جدید و نو جای مفروضات سنتی را بگیرد. این رسانه‌ها، حجاب را مانع ارتباطات معنی‌دار و زنان محجبه را بی‌ارزش تلقی می‌کنند. بنابراین با آموزش بدحجابی و ارزش دادن به زنان بی‌حجاب به نوعی سعی در مبارزه با حجاب و پوشش دارند.

طبق فرضیه فرعی ششم، با اطمینان ۹۵ درصد عزت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نقش دارد. پژوهش سفیدی و همکاران (Sefidi et al, 2013)، اُسکویی و عبدی (Abdi & Oskouei, 2013)، مولایی و یوسفوند (Molaei & Yusoufvand, 2014) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو است، زیرا آنان دریافتند که بین عزت نفس و حجاب، رابطه معناداری در سطح $(p < 0.01)$ وجود دارد، و هر چه شخص نگرش و تصور مثبتی از بدن خود داشته باشد دارای عزت نفس بیشتری است و کمتر آرایش می‌کند و گرایش به حجاب در وی افزوده می‌شود و بالعکس. پژوهش رابینسون (Robinson, 2003) با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست، زیرا نشان داد که زنان پوششی انتخاب می‌کنند تا تصور آن‌ها از بدنشان بهبود حاصل کند، یعنی لباس باعث افزایش بهبود و رضایت آنان از بدنشان می‌شود. به عبارت دیگر وجود عزت در زنان را در پوشیدن نوع لباس‌هایی می‌داند که زیبایی‌های آنان را به خوبی نمایان کند.

طبق فرضیه فرعی هفتم، برای مقایسه میانگین متغیرهای دانشکده، دهه‌ی تولد، سال ورود به دانشگاه، ترم تحصیلی و نوع پوشش از نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. در بررسی نقش دانشکده، تفاوت تربیت اخلاقی بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر آماری معنادار بوده است ($p < 0/05$). ولیکن تفاوت حجاب بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر آماری معنادار نبود. در بررسی نقش دهه‌ی تولد و نوع پوشش مقدار آماره F با سطح خطای کمتر از $0/05$ برای متغیر تربیت اخلاقی و رعایت حجاب معنادار گزارش شد. برحسب دهه‌ی تولد، پژوهش طالبی دلیر و رضوی طوسی (Talebi Dalir & Razavi Tusi, 2013) با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو است، زیرا آنان دریافتند با افزایش سن میزان اعتقاد به حجاب بیش‌تر می‌شود. پژوهش احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2010) با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست، زیرا آنان دریافتند که میزان پایبندی به حجاب در دختران زیر ۲۰ سال بیش‌تر دیده می‌شود. همچنین تحقیق سفیدی و همکاران (Sefidi et al, 2013) نیز با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست، زیرا آنان رابطه بین عزت نفس و مشخصات دموگرافیک از جمله سن، مقطع تحصیلی، دهه‌ی تولد، رشته تحصیلی و ترم تحصیلی را بررسی کرده‌اند که معنادار نبوده است. بر حسب نوع پوشش، پژوهش آقایانی چاوشی و همکاران (Aghayani Chavoshi et al, 2010) با پژوهش حاضر هم‌سو می‌باشد، زیرا آنان دریافتند که جوانان بعد از انقلاب، بیش‌تر مانع را به عنوان حجاب برتر انتخاب می‌کنند ولی میانسالانی که قبل از انقلاب به دنیا آمده بودند چادر را بر می‌گزینند. در بررسی نقش سال ورود به دانشگاه و ترم تحصیلی، با توجه به آماره F و مقدار p، با اینکه میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب بین دانشجویان ورودی سال‌های مختلف و دانشجویان ترم‌های مختلف متفاوت گزارش شد، ولی این اختلاف از نظر آماری معنادار نبود.

برای مقایسه میانگین نمرات متغیرهای وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و محل سکونت فعلی از آزمون تی مستقل استفاده شد. برای بررسی نقش مقطع تحصیلی با توجه آماره t و مقدار p، اختلاف معناداری بین میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد گزارش شد. برحسب مقطع تحصیلی پژوهش طالبی دلیر و رضوی طوسی (Razavi Tusi & Talebi Dalir, 2013) با پژوهش حاضر همخوان است زیرا آنان دریافتند تحصیلات اثر افزایشی بر اعتقاد به حجاب دارد. ولی پژوهش احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2010) با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست زیرا در تحقیق خود نشان دادند که میزان پایبندی به حجاب در دختران دارای مدرک تحصیلی زیردپلم بیش‌تر دیده می‌شود.

در بررسی نقش وضعیت تأهل و محل سکونت فعلی با توجه به آماره تی و مقدار p، با اینکه بین میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب دانشجویان مجرد و متأهل و همچنین دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی اختلاف وجود داشت، ولی این اختلاف از نظر آماری معنادار نبود.

پژوهش طالبی دلیر و رضوی طوسی (Talebi Dalir & Razavi Tusi, 2013) با نتایج پژوهش حاضر همخوان نیست، زیرا آنان دریافتند اعتقاد به حجاب در میان متأهل‌ها بیش‌تر از مجردها می‌باشد. همچنین با افزایش سابقه سکونت، اعتقاد به حجاب بیش‌تر می‌شود.

پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات زیر در راستای نهادینه شدن تربیت اخلاقی و رعایت ارزش‌های اخلاقی از جمله حجاب توصیه می‌گردد:

۱) با توجه به نتایج پژوهش بایستی به جای تأکید بر رعایت حجاب، به نهادینه شدن صحیح تربیت اخلاقی تأکید شود. زیرا تا در فرد تربیت اخلاقی صحیحی نهادینه نشود نمی‌توان حجاب مناسبی را از وی انتظار داشت. بنابراین بایستی برای تحکیم این ارزش‌ها در قالب برنامه‌های درسی رسمی و پنهان در دانشگاه‌ها همت گماشت و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به حجاب و آموزش صحیح رفتار و برخورد زن و مرد با یکدیگر در جامعه و خانواده، توجه کافی مبذول شود.

۲) با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، کرامت از با اهمیت‌ترین شاخص‌های تربیت اخلاقی معرفی گردید که می‌تواند نقش زیادی را در رعایت حجاب دانشجویان داشته باشد، بنابراین بایستی با تأکید بر آن در برنامه‌های درسی دانشجویان به خصوص در برنامه‌ریزی‌های درسی آشکار اولویت و توجه خاصی اعمال گردد.

۳) با توجه به نتایج پژوهش نقش غیرت در رعایت حجاب دانشجویان دختر نسبت به سایر مؤلفه‌ها کمتر گزارش شده است و متأسفانه به دلیل کم‌رنگ شدن غیرت در خانواده‌ها و بالاخص در مردان ایرانی بایستی برای ارزش‌های اخلاقی و اسلامی اهمیت بیشتری قائل شویم، وقتی در جوامع امروزی مردان آرایش و نیمه برهنه کردن زن خانواده در جامعه را ارزش تلقی می‌کنند چه انتظاری از زنان برای حفظ حجاب و پوشش می‌توان داشت؟ برای چیزی که ارزش دارد باید غیرت به خرج داد و اگر این امر صورت نگیرد ارزش‌ها پایمال خواهند شد. بنابراین یکی از دلایل بی‌حجابی خانم‌ها از بی‌غیرتی خانواده‌های آنان ناشی می‌شود و این امر نیز به علت استفاده نادرست آنان از ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. پس ضروری است به طور خاص بحث غیرت در دانشگاه‌ها مورد اهمیت قرار گیرد و

با گنجاندن آن در برنامه درسی دانشجویان آنان را نسبت به ارزش‌های اسلامی و دینی غیرتمند بار آورد.

۴) با توجه به نتایج پژوهش حاضر میزان تربیت اخلاقی و رعایت حجاب در دانشجویان متأهل کمتر از دانشجویان مجرد است. در احادیث دینی و اسلامی، می‌توان یکی از علت‌های این امر را کم‌رنگ شدن حیای دختران پس از ازدواج عنوان کرد. لذا بایستی این موضوع در برنامه‌های درسی دانشگاهی گنجانده شود و درباره‌ی حیا قبل و بعد از ازدواج دختران بررسی‌های بیشتری صورت گیرد.

۵) با توجه به نتایج پژوهش، دانشجویان ترم دوم و چهارم به ترتیب بیشترین نمره تربیت اخلاقی و رعایت حجاب را به خود اختصاص داده‌اند. زیرا دانشجویان در ترم‌های اول با محیط دانشگاه چندان آشنا نیستند، ولیکن متأسفانه در ترم‌های بالاتر با چشم و هم-چشمی‌هایی که در بین دانشجویان رخ می‌دهد، آنان گرایش به آرایش و مد روز پیدا می‌کنند و با آشنا شدن بیشتر آنان با چو دانشگاه گرایش به تربیت اخلاقی و حجاب کمتر می‌شود. پس بایستی در غالب برنامه‌های درسی بخصوص برنامه درسی پنهان با این امور مقابله کرد و با تشویق کردن و دادن امتیازات ویژه به دانشجویان ترم‌های اول جهت مراعات تربیت اخلاقی و حجاب مناسب، آنان را در حفظ حجاب یاری نمود.

۶) با توجه به اینکه در این پژوهش دانشجویان دهه‌ی ۵۰ نسبت به دانشجویان دهه‌های بعدی یعنی دهه ۶۰ و ۷۰ بیشترین نمره تربیت اخلاقی و رعایت حجاب را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین لازم است بررسی بیشتری در این زمینه صورت گیرد. می‌توان یکی از این دلایل را درک جنگ و مبارزه کردن پدران و برادرانشان در جبهه‌های حق علیه باطل عنوان کرد که آنان چگونه با ارزش‌های غیر دینی و ضد اسلامی تا پای جان ایستادند. ولی متأسفانه به مرور زمان، از ارزش‌های اخلاقی و اسلامی کاسته شده است، پس بایستی با زنده نگه داشتن ارزش‌های اخلاقی و بازگو کردن خاطرات جنگ و فیلم‌های دفاع مقدس، هر چه بیشتر در نهادینه شدن تربیت اخلاقی و حجاب به خصوص در برنامه‌های درسی پنهان دانشگاه‌ها در نسل‌های بعدی تلاش کرد. همچنین مسئولان دانشگاه با فراهم نمودن اردوهای زیارتی و راهیان نور در جنوب و غرب کشور، دانشجویان را هر چه بیشتر با آرمان‌های شهدا و پیام‌های آنان در ارتباط با ارزش‌های اسلامی از جمله حجاب آشنا سازند.

۷) با توجه به نتایج پژوهش دانشجویان چادری بیشترین نمره در تربیت اخلاقی و رعایت حجاب به دست آورده‌اند. پس بایستی چادر را به عنوان حجاب برتر معرفی کرده و با

برگزاری همایش‌های حجاب و عفاف و دعوت از بانوان تازه مسلمان شده و انتخاب حجایی که آنان برگزیده‌اند در نهادینه شدن این دو ارزش سعی و همت گماشت؛ ولیکن بایستی در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب به نوع کار و شرایط و مقتضیات محیط زندگی و خصوصیات اقلیمی و سنت‌ها و آداب محلی و منطقه‌ای مربوط به لباس و پوشش با رعایت اصل حکم فقهی حجاب توجه شود و ضمن قایل شدن حرمت و احترام برای چادر به عنوان کامل‌ترین و بهترین و رایج‌ترین نوع حجاب و تشویق آن به دور از افراط و تفریط، از الزام و اجبار همگان به استفاده از نوع و شکل خاصی از حجاب خودداری شود.

References

- Karim Quran
- Abutalebi. M. (2010). Religious education from the perspective of imam ali. Qom: Imam Khomeini institute for research and education. PERSIAN.
- Aghayani Chavoshi, A., Talebiyan, D., Habibi, M., Dehaghin, V., & Anvari, S. S(2010). Young and middle-aged attitudes about premier Hijab. Journal of Behavioral Sciences, 4 (1) :77-81. PERSIAN.
- Ahmadi, Kh., Bigdeli, Z., Moradi, A, Seyed Esmaili, F.(2010). Relation between belief in Hijab and individual, familial and social vulnerabilit. Journal of Behavioral Sciences, 4(2), 97-102. PERSIAN.
- Amini, E. (1995). Islam and education. Tehran: Anjoman Ouliya and Morabbian. PERSIAN.
- Anvari, H. (2004). Sokhan compressed dictionary. (j 1,2). Tehran: Sokhan. PERSIAN.
- Bagheri, Kh. (2001). Revisiting Islamic Education. Tehran: Madrese. PERSIAN.
- Bagheri, Kh. (2014). Revisiting Islamic Education (j 1). Tehran: Madrese. PERSIAN.
- Bagheri, Kh.(1999). Foundations of Moral Education Methods.Qom: Islamic Propaganda Organization. PERSIAN.
- Bhui, K. Khatib, Y. Viner, R. Klineberg, E. Clark, C. Head, J., & Stansfeld, .(2008). Cultural identity, clothing and common mental disorder: A prospective school-based study of white British and Bangladeshi adolescents. Journal of epidemiology and Community health, 62(5), 435- 441.
- Blavier, D.C., & Glenn, E.(2007). The role of shame in perceptions of marital equity, intimacy, and competency. The American journal of family therapy, 23(1), 73- 82.
- Brandon, D. M., Kerler,W.A. Killough,L. N., & Mueller,J.M.(2007).The joint influence of client attributes and cognitive moral development on students ethical judgments. Journal of accountiny education, 25(1), 59-73.
- Eftekhari, A., & Asadi, M. (2013). Human Dignity in Holy Quran and Its Socio-Political Consequences. Journal of Political Research in Islamic World, 3 (1), 29-48. PERSIAN.
- Ghaemi, A. (1985). Education and Construction. Tehran: Amiran. PERSIAN.
- Ghorbani Lahiji, Z. (2007). Ethics and Islamic education .Qom: Ansariyan. PERSIAN.

- Hoodfar, H. (1992). The veil in their minds and on our heads: the persistence of colonial images of Muslim women. *Resources for Feminist Research*, 22(3/4), 5.
- Hafeznia, M.(2008). *An Introduction to the Research Method in Humanities*. Tehran: Samt. PERSIAN.
- Hashemi, S.H. (2008). The Relationship between *ijab* and Chastity. *Journal Quranic Researches*, 13(51,52), 10-37. PERSIAN.
- Hojjati, S. M. B. (1988). *Islam and Education*. Tehran: Islamic Culture Office. PERSIAN.
- Hosseini shirazi, S.S. (2007). *Darsname imam sadiq*. Qom: Yas Zahra. PERSIAN.
- Ibn Manzur, M. (1994). *Lisan al-Arab*(J 4). Beirut: Dar Sader. PERSIAN.
- Jamshidi, A.(2008). The role of women in the creation and consolidation of public chastity in the Quran. *The study of Islam Women and Family*, 1(1), 121-134. PERSIAN.
- Javadi Amoly, A. (1990). *Dignity in the Quran*. Qom: Raja. PERSIAN.
- Karamolahi, N., & Aghasi, M.(2012). A Review of Female Students Trends to Veiled and Unveiled. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(2), 139-172. PERSIAN.
- Khalili, S., Afshar, L., & Abbasi, M. (2011). Investigation moral education from Avicenna's point. *History of Medicine Quarterly*, 3(8), 141-172. PERSIAN.
- Khiabany, Gh., & Williamson, M. (2008). Veiled bodies naked racism: culture, politics and race in the Sun. *Race Class*. 50(2), 69-88.
- Khadempir, A. (2015). The Origin, Factors and affects of Shame in Quran and Tradition views. *Journal Insight and Islamic Training*, 12(32), 127-153. PERSIAN.
- Majlesi, M. B.(1984). *Bihar al-Anwar*(j14). Tehran: Dar al-Kotob Islamiyah. PERSIAN.
- Mehta, S.(2010). Commodity Culture and Porous Socio-Religious Boundaries Muslim Women in Delhi. *South Asia Researc*, 30(1), 1-24.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 26-63.
- Miri, M., & Sobhani Nia, M. (2015). Deviation of concept of manliness and its cinsequences in Islamic Teachings. *Ethics Quarterly*, 5(19), 109-139.
- Mirkhani, E. S, & Safaee, S. (2014). The status of sexual chastity in islamic law and its impact on strengthening the family structure. *Journal of Woman & study of Family*, 6(24), 125-147. PERSIAN.
- Mohr, W. K., & Johnson, B. S. (Eds.). (2003). *Johnson's psychiatric-mental health nursing*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Molaei, J., & Yusoufvand, S. (2014). Sociological Study of Factors Affecting the Orientation towards the Veil (Case Study: Female Students of Payam Nour University in Abdanan). *Journal of Woman & Society*, 5(19), 35-46. PERSIAN.
- Motahhari, M. (1987). *the problem of the hijab*. Tehran: Sadra. PERSIAN.
- Motahhari, M.(1995). *The complete human*. Tehran: Sadra. PERSIAN.
- Mustaghimi, M. S, Omaraei, A., & Fazli, M. (2010). The Decency of Address in the Quran on Sexual Pleasures. *Journal of Womens Strategic Studies*, 13(49), 107-156. PERSIAN.
- Naraqji, M.A. (2010). *Meraj al-Saadat*. Qom: Vahdat Bakhsh. PERSIAN.

- Naraqi, M.M (2004). Jami al-Sadat (J1). Najaf: Najaf Chap. PERSIAN.
- Ngang, T. K., & Chan, T. C. (2015). The importance of ethics, moral and professional skills of novice teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205, 8-12.
- Noddings, N. (1995). Care and moral education. *Critical Conversations in Philosophy of Education*, 62.
- Numminen, O.H., & Leino-Kilpi, H. (2007). Nursing students ethical decision-making: A review of the literature. *Nurse Education today*, 27(7), 796-807.
- Oskouei, A. G., Abdi, S. (2013). Symptoms of Cluster B Personality Disorders in Iranian Females Wearing Thick Makeup: A case-control Study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 686-690.
- Ostad malek, F.(1988). Hijab and takeing off hijab in the iran(J 2). Tehran: Ataei Institute. PERSIAN.
- Pasandideh, A. (2005). Research in modesty culture. Qom: Dar al-hadis. PERSIAN.
- Qomi, A. (1984). Safineh al-Bihar and Madineh al-Hekam and al-Asar. Tehran: Sanayi library. PERSIAN.
- Rahnema, A. (1999). Review Analyzing of sources, Goals ,moral education methods from the perspective of kant and khajeh nasir al-Din tusi. Tehran: Modarres education. PERSIAN.
- Robinson, B. (2003). Method of clothing and influence of body and appearance management. Department of psychology. university of Gothenburg.
- Sadeghpour. T. (2008). Human dignity in the Quran. *Journal of byenat*. 14(53), 51-67. PERSIAN.
- Sayah Varg, M., Amir Poor, M., & Vahidi Motlagh, E. (2014). Factors Affecting Secondary Girls Chastity and Veil(Case study of North Khorasan Province). *Quarterly Disciplinary Knowledge North Khorasan*, 1(1), 137-152. PERSIAN.
- Sefidi, F., Mafi, R., Ghadimi, F., & Taherpour, M. (2013). The Effect of Hijab on Self-Esteem Among the Students of Qazvin University Of Medical Sciences. *Journal of Culture in the Islamic University*. Vol.3(2), pp: 217-228. PERSIAN.
- Sharifi, A. H. (2010). Ritual of life, Applied ethics. Qom: Maaref. PERSIAN.
- Simon, R.w., & Nath, L.N. (2004). Gender and Emotion in the United States: Do men & women differ in self- reports of feeling and expressive behavior?1. *American Journal of Sociology*, 109(5), 1137-1176.
- Singh, G. R. (2001). How Character Education Helps Students Grow. *Educational Leadership*, 59(2), 46-49.
- Tabatabai, M. H. (2008). Al-mizan an exegesis of the Quran (j4). Translation Seyyed mohammad bagher hamadani. Qom: Hoze Elmiye. PERSIAN.
- Tabatabai, M. H. (2015). Al-mizan an exegesis of the Quran(j1- 20). Translation Seyyed mohammad bagher hamadani. Qom: Hoze Elmiye. PERSIAN.
- Talebi Dalir, M., & Razavi Tusi, S.M(2013). Belief in Hijab and the Attitudes Related to it. *Journal of cultural - education of women and the family*, 7(23), 71-105. PERSIAN.
- Tarihi, F. (1998). *Majma al- Bahrain(J3)*. Qom: Islamic Culture Office. PERSIAN.
- Tusi, Kh.N. (1985). *The Nasirean Ethics*. Tehran: kharazmi. PERSIAN.
- Tusi, Kh.N. (1990). *The Nasirean Ethics*. Tehran: kharazmi. PERSIAN.
- Velea, S., & Farca, S. (2013). Teacher's responsibility in moral and affective education of children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 863- 867.

-
- Wigfield, A., & Karpathian, M. (1991). Who am I and what can I do? Children's self-concepts and motivation in achievement situations. *Educational Psychologist*, 26(3-4), 233-261.
- Yadollahpour, B. (2013). *Human dignity in the Quran*. Qom: adyan. PERSIAN.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی